

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله
ولعنه الله على اعدائهم اجمعين الى ابد الابد

ایامی که به نام محسنیه نام گذاری شده است، روزهایی که تاریخی تلخ وسیله در آن
رقم خورد و اوج مصیبت آن به قتل دردناک این شخصیت عظیم می رسد ...
اگر امام صادق علیه السلام، آن روز را ((اصل يوم العذاب)) نامیدند، بدان جهت
است که تمامی تحریفات در خلال همین روزها بنیان گذاری شد ...
آغازی با شهادت عالم سوز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، شهادتی مظلومانه
که تحریف شد و گمان ها به سوی بیمار بودن آن جناب سوق داده شد ...
اصل يوم عذاب همین است: روزی که با غوغاگری منصب خلافت رسول الله صلی
الله علیه و آله و سلم را غصب کردند و در ادامه برای بیعت گرفتن از خلیفه حقیقی آن
جناب، به سوی خانه اش حمله ور شدند و آتش و هیزم آوردند تا خانه و اهلش را
بسوزند ...
دخت رسول خدا به پشت در می آید در حالی که محسن را درون شکم دارد، او را مورد
ضرب و جرح قرار می دهند، جنین اش را می کشند و وارد خانه می شوند، امیرالمؤمنین
علیه السلام را به مسجد می کشند تا به اجبار بیعت بستانند ...
اصل يوم عذاب همین است ...

هتک حرمت حریم اهل بیت رسالت علیهم السّلام، حریمی که اگر تنها از آن یک مسلمان بود، پاس داشتن آن بر هر مسلمانی واجب بود ...

اما این حریم به بهانه دعوت امیرالمؤمنین علیه السّلام به بیعت، هتک می شود ... بیعتی که اگر حتی از سرترس یا با اِکراه صورت پذیرد، مقبول نیست اما با وجود این که از ساختگی بودن و عدم مشروعیت آن به خوبی مطلع بودند، برایش آتش و هیزم آوردند ...

و می خواستند حتی اهل خانه امیرالمؤمنین را آتش بزنند ... آتشی که تنها خداوند می تواند بدان عذاب کند ... این کدامین منطق است؟ این ها تحریفاتی است که صورت پذیرفت و تنها چند نفر انگشت شمار، برای مقابله با آن گام برداشتند. و سایرین از روی ترس و گاه از روی طمع سکوت کردند ...

این ها همه نشان از آن دارد که هجوم آورندگان، نه تنها خود به عقیده اسلام معتقد نبودند بلکه حتی اسلام را به عنوان یک آیین الهی نمی دانستند .

مرور آنچه در این ایام گذشته، بسیا ر تلخ است اما می توان گفت تمام شناخت اعتقاد اسلام، با شناخت رویدادهای این ایام میسر است ... رویدادهایی که باورهای مسلمانان چنان به انحطاط کشید که دوران به کربلا منتهی شد و اعتقاد به اسلام شد ریختن خون سلاله رسول خدا ... بی شک کسی که از کیفیت ماجرا بی اطلاع باشد، به نام اسلام ره به سوی کفر خواهد برد ...

واضح است که آنچه در این روزها رخ می‌دهد، یک حرکت آبی در یک جو هیجانی نیست بلکه برنامه‌ای مدون است که هدفش، نابود کردن اسلام و بزرگان آن است ... تا جایی که هیچ کس از خاندان رسول باقی نماند، حتی جنینی با نام محسن ... آنچه یگانه یادگار رسول الله با آهی جانسوز پرده از آن برداشت: «می‌خواهند حسن و حسین را یتیم کنند» و خودشان نیز بدان اذعان کردند «خانه و هرکس در آن است به آتش می‌کشم»، این یک تهدید صرف نبود، تهدیدی بود که عملی شد اما نافرجام ماند ...

این جاست که «نعم الجنین» بودن محسن بن فاطمه خود را نشان می‌دهد، چه جنین بابرکتی ... او که فدا شد تا حق فدا نشود ... اگر محسن فشار در را به جان نمی‌خرید، مادر از فشار جان می‌سپرد ... او تمام معادلات دشمن را به هم ریخت و با همراهی مادر گرمی‌اش، با سپر بلا شدن برای سلاله رسول، حق را زنده نگاه داشت ... تا مادر به مسجد بیاید و سخن بگوید ... بر مزار رسول خدا حاضر شود و ناله کند ... در خانه بنشیند و افشاگری نماید ...

محسن بن فاطمه، او که «کنز بهشتی امیرالمؤمنین» است، گنجی که هنوز پس از قرن‌ها پوشیده است ... محسن بن فاطمه با تمام پوشیدگی‌اش، شهادت و فداکاری مادر را به رخ می‌کشد ...

با تمام پوشیدگی‌اش، بی‌ایمانی و حیوانیت دشمنان مادرش را به رخ می‌کشد ...

بر همه شیعیان علوی، فاطمی، حسنی، حسینی و محسنی اعیان امراهل بیت عصمت و طهارتی که در ملاء عام به ظاهر مسلمانان آتش زدند فرض است، بجاست که در این مصیبت عظمی بیان حقائق امر ولایت آنان شود شاید اداء حقشان گردد.

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْمُنْتَقِمَ الْفَرَجِ.